

سنت شفاهی در آرای مورخان

نویسنده: جان (یان) وانسینا، ترجمه فرهاد نام برادرشاد و محمود رحیم‌زاده

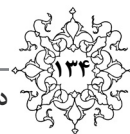
چکیده:

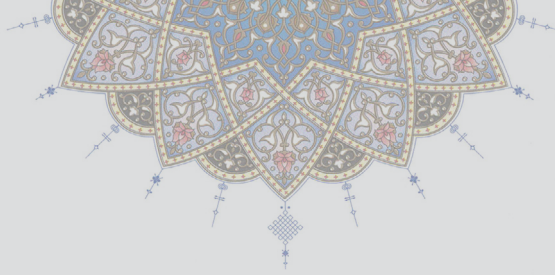
سنت‌های شفاهی منابعی تاریخی با سرشتی خاص هستند. ماهیت ویژه آن‌ها از این واقعیت ناشی می‌شود که منابعی «نانوشته» هستند که در یک قالب منحصر به فرد برای انتقال شفاهی ارائه می‌شوند و اینکه حفظ آن‌ها وابسته به نیروی حافظه نسل‌های بعدی بشری است. این ویژگی‌های خاص، مورخان را با مسائلی روبه‌رو می‌کند. مقاله پیش‌رو از مجموعه مقالات جان (یان) وانسینا در کتاب روش‌شناسی تاریخی سنت شفاهی اخذ و ترجمه گردیده است. نویسنده می‌کوشد تا مواردی نظیر اعتبار سنت شفاهی به‌عنوان یک منبع تاریخی و اعتبار و سنجش باورپذیری آن‌ها را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها:

سنت شفاهی، مورخان، اعتبارسنجی، منابع تاریخی، قوم‌شناسان.

دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۸، پائیز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۳۴-۱۵۰





سنت شفاهی در آرای مورخان^۱

نویسنده: جان (یان) وانسینا، ترجمه فرهاد نام برادرشاد^۲ و محمود رحیمزاده^۳

مقدمه:

در مناطقی از جهان که مردم رسم‌الخطی نداشتند (جوامع نانویسا)، سنت‌های شفاهی منبع اصلی قابل دسترسی برای بازتولید و بازسازی گذشته بودند، حتی در میان مردمی که رسم‌الخط داشتند (جوامع نویسا)، بسیاری از منابع تاریخی از جمله قدیمی‌ترین آن‌ها، بر مبنای سنت‌های شفاهی هستند. بنابراین ادعای فایده کاربردی تحقیق در ویژگی‌های منحصر به فرد سنت‌های شفاهی و روش‌های کنترل باورپذیری آن‌ها به‌طور مضاعفی اثبات شده است.

من می‌خواهم روشن کنم که بررسی من از موضوع، در ابتدا بر پایه سنت‌هایی است که هنوز در میان مردمی که نمی‌نویسند، زنده است، به دلیل اینکه منابع از این نوع، ماهیت ضروری سنت شفاهی را بهتر از سنت‌هایی حفظ می‌کند که در جوامع دارای نوشتار و رسم‌الخط یافت می‌شوند. در میان مردمی که سواد نوشتن ندارند، سنت شفاهی در هر قلبی پیدا می‌شود و این هنوز جایگزینی پیدا نکرده است؛ نه کارکرد اصلی آن با اسناد نوشتاری از بین رفته - مانند جوامعی که در آن نوشتن ایجاد غرور می‌کند - نه شکل طبیعی خود را از دست داده است، مانند اتفاقی که با نوشتن سنت‌ها ایجاد می‌شود. من امیدوارم بتوانم نشان دهم که سنت شفاهی لزوماً به‌عنوان یک منبع تاریخی غیرقابل اعتماد نیست، بلکه برعکس سزاوار مقدار مشخصی اعتبار در یک محدوده خاص است.

رابطه سنت شفاهی با تاریخ مکتوب

برخی از مورخان به مشکلات روش‌شناسی مطرح شده در سنت شفاهی توجه کرده‌اند. البته تحقیق در مورد قابلیت اطمینان موضوعات خاصی از مواد سنتی مانند افسانه‌های تاریخی و شرح زندگانی اولیاء و قدیسیان انجام شده است، اما چنین تلاش‌هایی سنت شفاهی را به‌عنوان یک کل بررسی

1. vansina, jan (2006). *oral tradition, A study historical methodology*. Lonon and New York: Routledge Taylor & Francis Groupm: 1- 18.

۲. فرهاد نام برادرشاد، کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، کارشناس اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛

farhad.1363@gmail.com

۳. محمود رحیمزاده، کارشناس ریاضی کاربردی، کارشناس اطلاع رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ parpo47@gmail.com



کرده‌اند که به‌ندرت می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد.

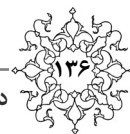
نویسندگانی که در مورد ارزش سنت‌های کلاسیک باستانی بحث کرده‌اند، با منابع ناقصی کار کرده‌اند که فاقد ویژگی‌های اساسی سنت شفاهی بوده‌اند، زیرا آن‌ها توسط مطلعان زنده منتقل نشده‌اند و کمبودهای اطلاعاتی در روشی که آن‌ها منتقل شده‌اند، وجود دارد، اگر نخواهم بگویم ویژگی اعتمادپذیری آن‌ها کاملاً نادیده گرفته شده است. می‌توان به راحتی دلیل اینکه اکثر این نوشتارها حفظ شده‌اند را فهمید و سنت‌های شفاهی را تنها می‌توان زمانی قابل اطمینان دانست که توسط یافته‌های باستانی یا زبان‌شناسانه تأیید شده باشند (Bloch, 1946, p. 125).

ارزیابی دومزیل^۱ از این وضعیت باعث شد که او سنت‌های کلاسیک و باستانی را به دو دسته تقسیم‌بندی کند: کسانی که بر اعتبار سنت‌ها تأکید داشتند و معتقد بودند یک سنت همیشه گوشه‌ای از حقیقت است، اما معمولاً امکان‌پذیر نیست که بفهمیم چه چیزی درست و چه چیزی غلط است و چه کسانی بر تغییرات و فریبندگی‌هایی تأکید دارند که سنت‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در واقع هم‌زمان سابقه‌ای از یک رویداد واقعی را تأیید می‌کنند که به ضرورت توسط سایر روش‌ها ایجاد شده است و می‌تواند با سنت حفظ شود (Dumezil, 1949, p. 25-119). هیچ چیز تعجب‌برانگیزی در مورد این وجود ندارد. نویسندگان مورد بحث در آن زمان هیچ وسیله‌ای برای قضاوت در مورد اطمینان سنت‌هایی که در حال بررسی آن‌ها بودند، نداشتند.

در کل کار اصلی پژوهش بر روی سنت شفاهی با توجه به ارزش آن به‌عنوان یک منبع تاریخی، توسط ای. برنهم^۲، ای. فدر^۳ و دابلیو. بویر^۴ انجام شد.

ای. برنهم، میان موضوعاتی نظیر روایات، افسانه‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های منظوم تاریخی در سنت شفاهی تمایز قائل می‌شد (Bernheim, 1908, p. 217). او میان روایت دست‌اول، گزارش شاهد عینی و تمام منابع دیگر مشمول دست‌دوم، گزارش‌های شنیده‌شده از رویدادها را که باید مورد بحث قرار گیرند، تفاوت قائل می‌شد. با این حال وی روایت‌های تاریخی را به‌خاطر آن بخشی که الهام‌بخش شعر آزاد در تکمیل اثر است، مستثنی کرد (Idem, p. 494 و 504). بنابراین از نقطه نظر روش‌شناسی تاریخی، سنت‌های دست‌دوم می‌توانند معادل با روایت گزارش شده باشند. فراتر از شیوه انتقال، هرچه تعداد منابع مختلف بیشتر باشد و به‌صورت مکانیکی (بدون تفسیر جدید) منتقل شوند، سنت‌ها قابل اعتمادتر خواهند بود (Idem, p. 486). به منظور مشخص کردن اینکه آیا یک سنت شفاهی حاوی هسته‌ای از حقیقت تاریخی است یا خیر، ضروری است تا قدیمی‌ترین شکلی که در آن سنت تحویل داده شده است را کشف کرد. آیا پس از این، امکان ارزیابی اعتبار آن با افزودن قواعد پذیرفته‌شده نقد تاریخی متن وجود دارد؟ اگر یک سنت حاوی برخی تناقضات درونی یا در مقابل واقعیاتی باشد که توسط دیگر منابع ایجاد شده است، آن را باید یک سنت غیرقابل اطمینان دانست (Idem, p. 4-382).

1. Dumezil.
2. Bernheim.
3. Feder.
4. W.Bauer.



وی سپس اقدام به بررسی انواع مختلف تحریف‌های حقیقت تاریخی می‌پردازد که می‌تواند رخ دهد و نتیجه می‌گیرد که برخی داده‌های سنتی دست‌دوم می‌توانند در معرض موشکافی روش‌هایی قرار گیرند که در نقد تاریخی به کار گرفته می‌شود. این بدان معنی است که اگر قابلیت اطمینان یک سنت ایجاد شده باشد، آن را می‌توان به‌عنوان یک منبع معتبر لحاظ کرد (Idem, p. 503). فدر، یک تفاوت اضافی با آنچه که برنهم میان سنت‌های دست‌اول و دست‌دوم قائل شده است، عرضه می‌کند: میان سنت‌های ناشناس و سنت‌هایی که نویسنده یا مبدع آن شناخته شده است. تحت سنت‌های دست‌دوم او، یک گروه حاوی منابعی همچون شایعات، حکایات، ضرب‌المثل‌های تاریخی و سخنان قصار بوده و گروه دیگر منابعی هستند که به دوره‌های گذشته دورتر اشاره می‌کنند که او آن را سنت‌های عامیانه یا سنت شفاهی در معنای دقیق اصطلاح آن می‌نامد. داستان‌های منظوم تاریخی و سنت‌های گفتاری یا حماسه‌ها به این گروه دوم تعلق دارند، درحالی‌که سنت‌های دست‌اول را می‌توان قابل اطمینان دید، با سنت‌های دست‌دوم باید با احتیاط بیشتری برخورد شود.

هرگز نمی‌توان با اطمینان به حقیقت یک گزارش واقعی از رویدادها تکیه کرد، زیرا هیچ چیز، نه از اولین شاهد و نه از کسانی که بعد آن را منتقل کرده‌اند، نمی‌دانیم. سنت شفاهی را می‌توان تنها زمانی قابل اطمینان لحاظ کرد که آن سنت به رویدادهای اخیر نسبتاً جدیدی اشاره داشته باشد. اگر ظرفیت کافی برای قضاوت نقادانه در زمانی که تحویل داده می‌شود و منابع دیگر اطلاعاتی وجود داشته باشد تا فرد را قادر سازد چنین ظرفیتی را برای انجام آن داشته باشد، در این صورت سنت باید قابل اعتماد باشد؛ البته اگر توسط فردی زیر سؤال نرود. علاوه بر این، افراد بی‌سواد دارای نیروی قدرتمندی از حافظه بوده‌اند که سنت‌های خودشان را به‌شکلی مناسب برای انتقال زبانی با استفاده از ریتم یا فرمولی دیگر برای متصل کردن مواد به هم تحویل می‌دادند (Feder, 1924, p. 61-65, 199-204). نکته نهایی فدر این است که یک سنت نباید صرفاً به خاطر ریشه‌های شناخته‌شده‌اش پذیرفته شود و او در حمایت از این قاعده، نمونه‌هایی از شیوه‌ای که سنت شفاهی به‌صورت ناخوشایندی تحریف شده است، می‌آورد (Idem, p. 4-20).

بویر، سنت‌های شفاهی را به دو گروه تقسیم‌بندی کرده است: اولی شامل تمام منابع است، بدون توجه به اینکه آیا آن‌ها دست‌نخورده باقی مانده‌اند یا در فرایند انتقال تحریف شده‌اند یا به اهدافی خاص و فرد خاصی، خواه عمومی یا خصوصی ارجاع داده شده‌اند. گروه دوم به منابعی تعلق دارد که هیچ نویسنده و مبدع شخصی قابل شناسایی نیست و کم‌وبیش از تلفیق در هم، گسترش یافته‌اند. این گروهی است که شایعات، اسطوره‌ها، حماسه‌ها، افسانه‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و آهنگ‌های عامیانه باید به آن اختصاص یابد. زمانی که با این نوع منبع برخورد می‌کنیم، اهمیت دارد تا به فوریت مشخص شود که آیا آن‌ها برای اهداف تبلیغاتی یا اهداف خودجوش در نظر گرفته شده‌اند یا خیر.

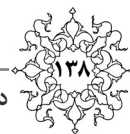


تمام این سنت‌های شفاهی ناشناس، ویژگی مشترک انتقال خودبه‌خودی از یک شخص به شخص دیگر را دارند و در طی این فرایند، شکل اصلی آن‌ها از دست رفته و محتوا دارای نوسان گردیده و محو شده است. انواع خاصی از تغییرات که ممکن است رخ دهند را باید به نیاز به ایجاد یک جو- به نوآوری تخیلی راوی و میل او به بهبود و اصلاح داده‌های خود- نسبت داد، به طوری که مخاطب در احساس شورانگیز خود سرگردان باشد و لذت او در بازنویسی آنچه باید بگوید، افزایش یابد. می‌توان افزود که تمام این کارها با قصد تولید اثر مطلوب و واکنش مخاطب انجام می‌شود، به طوری که هر چیزی ترکیب شود تا جوی درست گردد که در آن، اجرا بر روی شخصیتی، از حرکت اصلی و الهام‌بخش انجام شود.

وی سپس در مورد انواع مختلف سنت‌های شفاهی بحث می‌کند. شایعه تنها زمانی به‌عنوان یک منبع تاریخی قابل استفاده است که با دیگر منابع از جمله حماسه‌ها، افسانه‌ها و حکایت‌ها تأیید شود. حالت انتقال باید بررسی شود و اگر حاوی تناقضات داخلی بوده یا از رویدادی گزارش می‌دهند که مطابق با واقعیتی که دیگر منابع روایت می‌کنند نیست، باید رد شوند. با توجه به اینکه حماسه‌ها از شواهد باستانی، زبانی یا کلاسیک قدیمی هستند، می‌توانند عامل تعیین‌کننده‌ای در ارزیابی دقت واقعی خود و دیگر سنن باشند. داستان‌های تاریخی همیشه قصد تبلیغ دارند و از تحریف نسخه اصلی به دلیل حذف اظهاراتی که دیگر هیچ معنایی ندارند یا به آسانی درک نمی‌شوند، رنج می‌برند. ضرب‌المثل‌ها نگرش‌های اخلاقی را بیان کرده و نیز یک واکنش اخلاقی را تحریک می‌کنند، اما اطلاعات عمومی انتقال یافته به صورت زبانی را می‌توان به همان روش منابع نوشتاری مورد بحث قرار داد (Bauer, 1928, p. 45-236).

این خلاصه‌ای از دیدگاه‌های سه نویسنده است که به‌وضوح نشان می‌دهد آن‌ها تحقیقات خود را بر روی سنت شفاهی اروپایی و سنت‌هایی قرار داده‌اند که از زمان‌های کلاسیک به آن‌ها رسیده است. در واقع هیچ منبع واقعی در اختیار آن‌ها نیست، به‌خصوص در رابطه با سنت شفاهی، همان‌طور که امروز آن را در جوامع ماقبل نوشتار یافت می‌کنند. من در بالا ذکر کردم که اشکالات استفاده از داده‌های سنتی آن است که فقط در شکل نوشتار حفظ می‌شوند. شایان ذکر است که تمام سنت‌های باقی‌مانده در اروپا سنت‌هایی هستند که در یک جامعه حفظ شده‌اند و از نوشتار برای ثبت تمام رویدادهای گذشته که بیشتر از یک علاقه باستانی است، استفاده می‌کنند.

به‌عنوان یک نتیجه، سنت شفاهی در چنین جوامعی محدود به مبادلاتی است که در جریان مکالمه روزانه انجام می‌گیرد و شامل سنت‌هایی است که از نسلی به نسل دیگر، بدون کمک از هیچ تکنیک خاصی به صورت تصادفی منتقل می‌شود. علاوه بر این، آن‌ها همگی به اهداف اخلاقی، آموزشی و زیبایی‌شناختی کمک می‌کنند. هیچ ابزاری که برای تمام انواع سنن شفاهی مشترک باشد، وجود ندارد. من باید به نکته قبلی برگردم؛ نه نتیجه‌گیری‌ای که نویسندگان از آن



برای توجیه احساس در طراحی استفاده کنند و نه هیچ قاعده‌ای که آن‌ها قاعده‌بندی کنند، وجود ندارد زیرا آن‌ها بر مبنای منابعی با کیفیت پائین هستند و ایده آن‌ها در کل این مطالعه به چالش کشیده می‌شود؛ زمانی که با سنت‌های مردم ماقبل سواد (جوامع نانویسا) مواجه می‌شوند که در میان آن‌ها سنت شفاهی در بهترین شکل خود پیدا می‌شود.

اکنون بعد از چندین سال مورخان حرفه‌ای توجه ویژه‌ای به تاریخ شفاهی می‌کنند. جی.دی. فیچ^۱ و آر. اولیور^۲ نمونه‌های برجسته‌ای از مورخان بودند که از سنت‌های شفاهی استفاده کردند، اگرچه آن‌ها هیچ تئوری‌ای را برای اعتبار سنن یا به‌عنوان شیوه‌ای که در آن چنین منابعی باید مورد استفاده قرار گیرند، توسعه ندادند. اولی تحت تأثیر انسان‌شناسی اجتماعی مدرن، بر روی رابطه سنت شفاهی با محیط اجتماعی خویش است و هیچ ارزیابی‌ای نمی‌تواند ارزش یک سنت را داشته باشد، مگر مشخص باشد چه عملکردی دارد و از این‌رو احتمالاً چه تحریفاتی به وجود می‌آید. علاوه بر این، او معتقد است که تحریفات معمولاً به گونه‌ای هستند که سنت‌ها را به صورتی بی‌ارزش نشان می‌دهند (D.Fage. 1956, p.127). اولیور فکر می‌کند که سنت‌های شفاهی اغلب ارزش بررسی کردن را دارند و اینکه آن‌ها تحت تأثیر کارکردی که دارند، نیستند تا نقطه‌ای که تمام ارزشش را به‌عنوان منبع تاریخی از دست می‌دهد. اما ارزش تاریخی آن‌ها زمانی که کاربرد تطبیقی از شواهد باستانی صورت گیرد، می‌تواند آن‌ها را تأیید یا نامعتبر کند (Oliver, 1955, p.217). خیلی قبل‌تر از ظهور مورخان حرفه‌ای مانند آئین‌ها، محققان علاقه‌مند تازه‌کاری در میان مردم بی‌سواد، سنت‌های شفاهی را جمع‌آوری می‌کردند، اگرچه دست‌کم در جنبه نظری پرسش مورد علاقه‌ای نبوده است، از آن‌ها برای بازسازی گذشته آن مردم استفاده می‌شده است. می‌توان گفت که اولین تاریخ مکتوب بر مبنای سنت‌های شفاهی، مربوط به زمانی است که اولین کاوشگران اروپایی به صحنه رسیدند و تقریباً همه آنچه ما امروز در مورد تاریخ اولیه این مردم ماقبل تاریخ می‌دانیم، ناشی از چنین مورخان آماتوری است.

با این حال، اخیراً این ارتباط میان این مشارکت‌کنندگان و همکاران حرفه‌ای آنان ایجاد شده است. در واقع این ارتباط از ۱۹۵۳م. به بعد، لااقل از زمانی که به آفریقا مربوط می‌شود، است. این سالی است که در آن، اولین کنفرانس در مورد تاریخ آفریقا و باستان‌شناسی آن برگزار شد که مورخان حرفه‌ای و جمع‌آوری‌کننده‌های آماتور سنت‌ها را گرد هم آوردند. نگاهی به سطح نتایج بحث‌های آنان نشان‌دهنده اهمیت نسبت داده‌شده به سنت شفاهی توسط مشارکت‌کنندگان است (Hamilton (ed.), 1955, p. 15-27, 41-70). این نگرش اتخاذشده نسبت به قابلیت اطمینان سنت‌ها توسط فاگ و اولیور، نگرش به اقوام آمریکایی را یادآوری می‌کند که همیلتون^۳ آن را به صورت زیر خلاصه کرده است:

«چنین کارهایی که تاکنون انجام شده است، روشن می‌کند سنت‌های شفاهی هرگز به تنهایی

1. G.D.fage.
2. R.oliver.
3. Hamilton.



و بدون حمایت به کار نمی‌رود. این باید مربوط به ساختار سیاسی و اجتماعی مردمی باشد که آن را حفظ می‌کنند، در مقایسه با سنت‌های مردم همسایه و در ارتباط با نشانه‌های دوره‌ای از سلسله‌ها و چرخه‌های سنی، تماس‌های ثبت‌شده با مردم باسواد، از پدیده‌های طبیعی مانند قحطی‌ها و خسوف‌ها و کسوف‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی باشد (Ibidem, p. 8).

به بیان دیگر، سنت شفاهی می‌تواند ارزش واقعی داشته باشد، اما شک در مورد آن را باید پذیرفت، مگر با دیگر منابع تاریخی اثبات شود. بنابراین هم مورخان آماتور و هم مورخان حرفه‌ای امروزی، مانند آن‌هایی که در بالا ذکرشان رفت، بر این باورند که امکان دارد بتوان تا حدی به سنت‌های شفاهی تکیه کرد. آن‌ها تاکنون به منظور اعمال روش‌های انتقادی-تاریخی برای این منابع، به روشی که ارزیابی منطقی‌تری را از ماهیت واقعی این منابع و قابلیت اطمینان تطبیقی آن‌ها انجام دهد، هیچ تلاشی نکرده‌اند.

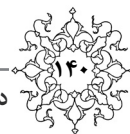
بررسی سنت شفاهی در ادبیات قوم‌شناسانه

قوم‌شناسانی که تلاش کرده‌اند گذشته افراد را بدون نوشتن مطالعه کنند، با مشکل مقدار ارزش پیوستن به سنت شفاهی مواجه می‌شوند. از این رو برخی از آن‌ها تا حدودی به این مشکل توجه نشان داده‌اند. در زیر شش نگرش اصلی آمده است:

۱. سنت‌های شفاهی هرگز قابل اطمینان نیستند؛
 ۲. سنت‌های شفاهی می‌توانند حاوی مقدار مشخصی از حقیقت باشند؛
 ۳. غیرممکن است که بتوان مقدار حقیقت درون سنت شفاهی را ارزیابی کرد؛
 ۴. تمام سنت‌های شفاهی حاوی هسته‌ای از حقیقت تاریخی هستند؛
 ۵. تمام عوامل تأثیرگذار بر قابلیت اطمینان سنت‌ها باید به‌طور کامل بررسی شوند؛
 ۶. باید قابلیت اطمینان این منابع مطابق با قواعد معمول روش‌های تاریخی بررسی شوند.
- شاید این مفید باشد که به راه‌های مختلفی که سنت‌های شفاهی در مونوگراف‌های تاریخ مردم ماقبل نوشتار تلقی می‌شده‌اند، بپردازم:

- ون ژنپ^۱ نسبت به قابلیت اطمینان سنت‌های شفاهی شکاکانه می‌نگرد (Van Gennep, 1910, p. 165). او معتقد است که شیوه انتقال به سرعت منجر به تغییر سنت می‌شود، همان‌طور که از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد. او همچنین به تحریفاتی اشاره کرد که می‌تواند یک سنت را از بین ببرد که بر مبنای یافته‌های او، عمدتاً بر روی سنت‌های شفاهی حال حاضر اروپا قرار دارد، اگرچه او نمونه‌هایی از سنت‌های مردم بی‌سواد را آورده است (Idem, p. 267-294). ای. اس. هارتلند^۲ نیز ارزش کمی را به سنت‌ها به‌عنوان مدارک تاریخی می‌دهد. جدا از نشانه‌های خاص به‌عنوان مسیر مهاجرت و انتشار فرهنگ، او

1. Van Gennep.
2. E.s Hartland.



تمام اطلاعاتی را که این مدارک ارائه می‌دهند، بی‌ارزش می‌داند (Hartland, 1914, p. 456, note 32, p. 34-428).

نظر ارائه‌شده لوئی^۱ این است که سنت شفاهی بدون هیچ ارزش تاریخی، تنها یک مدرک پیشینی است. قبایل اولیه نه هیچ معنای تاریخی دارند، نه هیچ چشم‌انداز تاریخی (Lowie, 1915, p. 165, 167). به گفته این انسان‌شناس آمریکایی، نکته اینجاست که آن‌ها چه اتفاقاتی را جمع‌آوری کرده‌اند و به یاد می‌آورند. اتفاقاتی باید جمع‌آوری و ثبت گردند که از لحاظ تاریخی اهمیت داشته باشند، در غیر این صورت یک بیانیه کاملاً درست می‌تواند به اندازه یک بیانیه و روایت غلط، خطرناک باشد (Idem, op. cit., p. 167).

این مطلب در مجله‌ای آمده که در آن لوئی در مورد انسان‌شناسان آمریکایی در سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ م. مطرح می‌کند و در آن کاملاً مخالف نظر مقاله آر. بی. دیکسون^۲ و جی. آر. سوانتون^۳ است که در آن، نویسندگان مذکور ایمان خود را مبتنی بر اطلاعاتی بیان داشته‌اند که از سنت شفاهی ناشی شده است (Dixon; J. R. Swanton; Amer, 1915, p. 376). لوئی در اولین واکنش، مخالفت خود را به روشنی با این گفته نشان می‌دهد که من نمی‌توانم به سنت شفاهی هیچ ارزش تاریخی‌ای بدهم، به هیچ وجه تحت هر شرایطی، به هیچ وجه (Lowie, 1915, p. 598). سپس این اظهارنظر توسط دیکسون و سوانتون و همچنین آ. آ. گلدنوایزر^۴ مورد هجمه قرار گرفت.

- سه نویسنده آخر و دیگران نیز مانند ای. سایپر^۵، دی. تایت^۶ و دیبلو. موهلمان^۷ از اهمیت سنت شفاهی به عنوان یک منبع تاریخی دفاع کردند و نمونه‌هایی را بیان داشتند که نشان می‌دهد سنت‌ها می‌توانند حاوی اطلاعات معتبری باشند. دیکسون و سوانتون تأکید کردند که اگر قابلیت اطمینان به اطلاعات حاصل از سنت شفاهی موازی با شواهد ناشی از باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی فیزیکی و قوم‌شناسی باشد، نمی‌توان آن را محلی برای مجادله دانست (Dixon; J. R. Swanton, 1915, p. 376). در نهایت او مجبور شد بیان کند که سنت شفاهی اغلب اطلاعات دقیقی مربوط به منشاء یک قبیله ارائه می‌کند (Dixon; Amer; Anthr. 17, p. 599).

گلدنوایزر، موضع خود را با این گفته نشان داد که مردم‌شناس در فقدان شواهد بهتر، سنت را دنبال می‌کند تا زمانی که داده‌های بیشتر با ارزش استنادی بالاتر، فرضیه‌های اولیه را تأیید یا رد کنند (Goldenweiser, 1915, p. 763-4). سایپر نیز متقاعد شد که می‌توان به سنت‌ها تکیه کرد، اگرچه او تصریح می‌کند زمانی که آن‌ها به گذشته‌ای دور اشاره می‌کنند، باید با ذخایر تاریخی خوبی حمایت شده باشند. او با استفاده از شواهد فرهنگی و زبان‌شناسی ثابت کرد که سنت‌های خاصی از هندوهای سرخ‌پوست به خوبی ثبت شده‌اند و علاوه بر آن، نمونه‌هایی از اقوام

1. Lowie.

2..Dixon.

3. Swanton.

4. A.A Goldenweiser.

5. Sapir.

6. D. Tait.

7. Diablo Mohlamman.



سیمشیان و ناهوتی را آورده است.

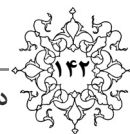
او بیان می‌کند که حلقه‌ای از تاریخ در گزارش‌های سرخ‌پوستان از مهاجرت و حرکات قبیله‌ای وجود دارد (Sapir, 1949, p. 395-397). این موضع اتخاذ شده توسط نویسندگان آمریکایی و علاقه نشان داده شده توسط مکاتب مختلف انسان‌شناسی آمریکایی در تاریخ فرهنگی (تا به حال برخی از آن‌ها را به اسم قوم‌شناسی نامیده‌اند)، آن‌ها را به این سمت سوق داده و کم‌وبیش به طور ضمنی، سنت‌های شفاهی را در میان منابع در دسترس قوم‌شناسان قرار داده است. ام.هرسکوویت^۱ بیان داشته است که قوم‌شناسی چهار نوع مختلف از منابع را تقسیم‌بندی می‌کند؛ بر مبنای تاریخ، معماری، سنت‌های شفاهی و قومی. ممکن است دو تای اول به نظر داده‌های سخت برسند، یعنی موادی که اطلاعات معتبری را ارائه می‌دهند، ولی دو تای آخر نرم هستند. آن‌ها تنها ما را به سوی احتمالات هدایت می‌کنند (Herskovits, 1952, p. 230). بعداً در همان مقاله نویسنده نسبت به تمایل قوم‌شناسی به سمت اعطای اعتبار بیش از حد به سنت‌های شفاهی هشدار می‌دهد (Ibidem, p. 232). ای. فولر^۲، کسی که شاگرد هرسکوویت بود، تاریخ گامبه^۳ را مطالعه کرد و سنت شفاهی را به عنوان یک منبع تاریخی معتبر در نظر گرفت. استفاده از سنت‌های شفاهی زمانی که در مقابل اسناد نوشتاری و با داده‌های قوم‌شناسی حال حاضر مقایسه می‌شوند، نویسنده را قادر می‌کنند تا تصویری با جزئیات از فرهنگ و تغییراتی که در مدت بسیار طولانی رخ داده است را بازسازی کند (Fuller, 1958, p. 127-128).

هم فولر و هم استادش به نقطه نظر سایپر، بسیار نزدیک شدند. آن‌ها تأکید کردند که سنت‌ها به عنوان یکی از حلقه‌های تاریخ هستند، اما تأکید دارند که باید آن‌ها را قبل از استفاده، با منابع تاریخی دیگر مقایسه کرد. اهمیت در نظر گرفتن شواهد قوم‌شناسی و زبان‌شناسی برای بررسی قابلیت اطمینان سنت‌های داگومبا و کونکومبا توسط تایت تشریح شده است و او بیان می‌کند که یک مورخ نمی‌تواند در میان مردم اولیه بدون داشتن آموزش قومی و زبانی کار کند (Tait, 1955, p. 209).

موهلمان، فکر می‌کند که سنت‌های شفاهی، منابع قابل اعتمادی هستند و این به خاطر تعصب اروپایی علیه آن‌ها است که تاکنون از آن‌ها استفاده زیادی نشده است. برای مثال آن‌ها در غرب آفریقا، گزارشی از وقایع تاریخی می‌دهند که می‌توان آن را با دیگر نسخه‌های همان گزارش که در میان قبایل همسایه پیدا شده است، مقایسه کرد. ارزش آن‌ها عمدتاً بر مبنای نوری است که به تاریخ فرهنگی می‌تابانند (Muehlmann, 1938, p. 7-206).

گروهی از نویسندگان وجود دارند که ممکن است بین آن‌ها کسانی باشند که در مقابل موقعیت‌های اتخاذ شده توسط نویسندگان ذکر شده در بالا (اف. گرابنر^۴؛ دابلیو. اشمیت^۵ و جی. وان بولک^۶)، تأکید کنند که تصمیم‌گیری قاطع در مورد باارزش بودن یا بی‌ارزش بودن یک سنت، غیرممکن است. قابلیت اطمینان و باورپذیری سنت‌های شفاهی را نمی‌توان اثبات

1. M. Herskovits.
2. E. fuller.
3. Gambit.
4. F. Graebner.
5. W. Schmitt.
6. G. van Bulck.



کرد، مگر توافقی میان گزارش‌های مستقل مختلف وجود داشته و مگر آنکه واقعیات در ارتباط با آن‌هایی که توسط مطالعات تاریخی- فرهنگی بدیهی شمرده شده‌اند، درست منتقل شده باشد (Graebner, 1911, p. 4-52; VanBulck, Beitrage, 1931, p. 198). وان بولک معتقد است که در آفریقا توجه کمی به سنت‌های شفاهی شده است و پیشنهاد می‌کند که داده‌های زمینه‌ای و سلسله‌شناختی باید به‌عنوان ابزار کنترل و بررسی آن‌ها، علاوه بر روش‌های کنترل دیگر ایجادشده توسط گرانبر، استفاده شوند (Van Bulck, op. cit p. 198).

- دیگر قوم‌شناسان معتقدند که هر سنت اطلاعاتی را در مورد رویدادهای گذشته منتقل می‌کند، حتی اگر هسته حقیقت تاریخی در یک هاله فریبنده پوشش داده شده باشد. آر. مورتیر^۱ بیان می‌کند درحالی که نمی‌توان هیچ تکیه‌ای به شکل سنت‌ها کرد، محتوای آن‌ها قابل اطمینان است. منظور او از شکل، نام اجداد، نشانه‌های زمان و مکان و روشی است که طرح را باز می‌کند. محتوا شامل وقایع و نام قبایلی است که با نام افراد نشان داده شده و وضعیت کلی است که با روایت تشریح می‌شود (Mortier, 1944, p. 35).

برای اچ. یوبیر^۲، اطلاعات واقعی منتقل شده یک سنت کاملاً غیرقابل اطمینان است و سنت‌ها لزوماً منابعی برای استفاده تاریخ اندیشه یا فلسفه افراد خاصی است. بنابراین او از اسطوره یوروب^۳ در مورد یک جد و نیا به نام اودودووا، استنتاج می‌کند که این نام برای الهه زمین به کار رفته است. سنت‌ها ممکن است دیگر انواع اطلاعات تاریخی را نیز منتقل کنند (Beier, 1955, p. 17-25).

- اکثریت قوم‌شناسان بدون اینکه خود را متعهد به ارزش سنت‌ها به‌عنوان منابع اطلاعات در مورد گذشته بدانند و بدون داشتن هیچ مطالعه روشمندی از ویژگی اصلی سنت‌ها، توجه خود را به عوامل مختلفی معطوف داشته‌اند که بر قابلیت اطمینان سنت‌ها اثرگذار است. اینکه گستره زمانی یک سنت چقدر به عقب برمی‌گردد، هدفی است که توسط مبلغان آن و نگرش آن‌ها نسبت به رویدادهای مرتبط دنبال می‌شود که منجر به گزارش‌های متفاوت از یک رویداد می‌شود که این همان چیزی است که پی. مرسیر^۴ در مطالعه خود، بر مبنای چندین سنت یوروب و باریبا، از حمله بی‌ثمر این قبایل به شهری در نیجریه به نام ایلورین^۵ نشان می‌دهد (Mercier, 1950, p. 5-92). او نتیجه می‌گیرد که بعد از مدت مشخصی، ترکیبی از شرایط، منجر به انتخاب میان گزارش‌های مختلف یک سنت می‌شود، تا زمانی که به نقطه‌ای می‌رسد که تنها یکی از آن‌ها باقی می‌ماند یا در بهترین شرایط دو یا سه گزارش ماندگار می‌شود که کار تشخیص اینکه کدام واقعاً رخ داده است، بسیار پیچیده می‌شود. این دلیل سخت‌بودن مطالعه گذشته در اکثر سنت‌هاست. تأکید مرسیر بر روی هدف یک سنت، موضع وی را به دیگر قوم‌شناسان که بر اهمیت «کارکرد» یک سنت در جامعه تأکید دارند، نزدیک می‌کند.

1. R. Mortier.
2. H. u. Beier.
3. Yoruba.
4. Mercie.
5. Ilorin.



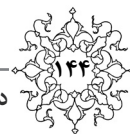
در این رابطه، مکتب کارکردگرا اولین مکتبی است که به یاد می‌آید (Radcliffe- Brown, 1957, p. 3). ایوانز پریچارد^۱ موضع آن‌ها را زمانی که او می‌نویسد مطالعه این سنت‌ها که نماینده جمعی از گذشته هستند و دیرینه‌شناسان اجتماعی آن را اسطوره می‌نامند و بخشی از مطالعه جامعه متعلق به آن‌هاست، به خوبی خلاصه می‌کند (Evans-Pritchard, 1985, p. 201). کارکردگراها به هر تلاشی برای بازسازی تاریخ گذشته قبایل اولیه در فقدان اسناد نوشتاری و شواهد باستان‌شناسی پشت پا می‌زدند (Radcliffe- Brown, 1957, p. 3). و بسیار بر روی کارکرد سنت شفاهی تأکید می‌کنند که آن‌ها را به مرحله رد کردن این اعتراف می‌رساند که این سنت می‌تواند حاوی هر اطلاعات معتبری باشد که مربوط به گذشته است، با توجه به محتوای سنت‌ها که کاملاً توسط کارکرد سنت‌ها در ساختار جامعه، به‌عنوان یک کل و ابزاری برای حفظ ساختار تعیین می‌شود.

اخیراً این موضع دوباره به‌صورتی شفاف توسط آی. ویلکز^۲، کسی که پی برد سنت‌های شفاهی محتوای تاریخی ندارند، اما به سادگی اسطوره‌هایی هستند که برای تحقق خواسته یک موقعیت خاص سیاسی ابداع شده‌اند، بیان شده است. موجودیت آن‌ها به‌صورت کلی ناشی از کارکرد آن‌هاست. مطالعه سنت‌های شفاهی در زمینه حقوق عرفی است، نه تاریخی (Wilks; E., 1956).

این دیدگاه‌ها توسط ایوانز پریچارد^۳، کسی که معتقد است سنت‌های شفاهی را می‌توان به‌عنوان منابع تاریخی استفاده کرد، حتی اگر بیشتر آن‌ها غیرقابل اعتماد باشند، بیان نشده است. تاریخ همیشه کیفیتی ذاتی دارد و صداقت در بازسازی گذشته مهم است. این صرفاً به این خاطر است که باستان‌شناسان قرن نوزدهم قادر به اتخاذ یک رویکرد انتقادی نسبت به چنین بازسازی‌هایی که تمام تلاش‌شان در این مسیر بی‌ارزش بوده است، نبوده‌اند (Pritchard, 1985, p. 121). پی. سی. لوید^۴ فکر می‌کند که تمام سنت‌ها حاوی مقداری حقیقت هستند و چنین می‌نویسد: «... مورخ ممکن است قادر به دیدن تحریفاتی که انجام شده باشد و ارزش آن‌ها را به‌عنوان یک مدرک تاریخی ارزیابی کند» (Lloyd, 1955, p. 20).

دابلو. سودال^۵ معتقد است که اگر انگیزه‌ای برای انتقال سنت‌ها وجود داشته باشد، ممکن است حاوی اطلاعات تاریخی باشند. جوامع با رؤسای موروثی معمولاً دارای علاقه خاصی به انتقال اطلاعات تاریخی هستند. سنت‌های شفاهی نیازهای روانی خاصی را محقق می‌کنند و این کار به همین منظور انجام می‌شود. آن‌ها تنها نیاز به تأکید بر جنبه‌های کیفی خاص و جزئیاتی از رویدادها را دارند که لزوماً توالی‌های تاریخی بزرگ و روایت‌های کلان از تاریخ را تحریف نمی‌کنند. بنابراین یک سنت به‌عنوان یک مدرک تاریخی بی‌ارزش نیست، اما هنوز در معرض سرزنش گزارش‌های تمام گروه‌های مربوط به یک رویداد خاص است. او با توجه به مهاجرت،

1. Evans-Pritchard.
2. Wilks.
3. Evans-Pritchard.
4. P. C. Lloyd.
5. Southall.



می‌گوید مقایسه سنت‌ها اغلب منجر به سردرگمی و تناقضات می‌شود، بخشی به خاطر از بین رفتن حافظه و بخشی به دلیل انگیزه احتمالی تحریف. همچنین او می‌نویسد گاهی اوقات که حرکت‌های بزرگ قبیله‌ای را در محدوده‌های نزدیک مطالعه می‌کند، گروه‌های کوچکی پدیدار می‌شوند که ظاهراً در جهات مختلف حرکت می‌کنند که هر تصویری از حرکت کلی منسجم را مبهم می‌کنند. سودال، در نهایت بر این تفسیر از سنت‌ها اصرار می‌کند که شناخت کلی ساختار اجتماعی یک فرد، سن، آموزش و استخراج گروه‌های اجتماعی و مکان‌هایی که آن‌ها از آن آمده‌اند، ضروری است و ارزیابی از نگرش افراد نسبت به زمان، تاریخ و انگیزه احتمالی آن‌ها برای تحریف انجام می‌شود (Southall, 1954, p. 45-139).

ون ولسن^۱ معتقد است که اگر به ساختار کنونی سیاسی و اجتماعی توجه شود، سنت شفاهی معنادارتر می‌شود. یک سنت ناچاراً دارای تعصب است، تعصبی که در ذات زمینه اجتماعی یا سیاسی آن قرار دارد. این به معنی آن است که حقیقتی محض در سنت‌های شفاهی وجود ندارد. با این وجود، برخی سنت‌ها در کل می‌توانند درست باشند. این دیدگاه توسط برخی اعضای مکتب کارکردگرا به اشتراک گذاشته شده است (Van Velsen, 1959, p. 105).

دیدگاهی که نیکلسون بیان داشته، آن است که «اینکها» به تاریخ گذشته خود علاقه دارند که عمدتاً نتیجه مزیت اجتماعی و سیاسی است که توسط حفظ شجره‌نامه دقیق سلطنت «آیلس» به دست می‌آید که متشکل از زادگان هر امپراتوری است (Nicholson, 1955, p. 609). لیتون^۲ و لومالا^۳ نشان می‌دهند چطور در «پولینسیا» به شیوه‌هایی مشابه از سنت‌های خود محافظت می‌کنند (Luomola, 1952, p. 773; R. Linton, 1949 p. 180).

رومئو مولینر^۴، به عوامل خاصی توجه می‌کند که اعتبار سنت‌های شفاهی را کاهش می‌دهد. در نظر او، سنت‌های شفاهی به عنوان مدرک تاریخی دارای ارزشی نیستند، زیرا مردم بومی آفریقا هرگز از سیستم زمان‌بندی و گاه‌شماری استفاده نکردند. به دلیل اینکه واقعیات به منظور ارائه داستان به صورتی قابل قبول و به خاطر اینکه هیچ ارتباط علیتی میان رویدادهای توصیف شده وجود ندارد که به سادگی یکدیگر را در یک روش تصادفی و آزاد دنبال کنند، تحریف شده‌اند (Geldern, 1944, p. 336; Fletcher, 1961 p. 94-189; Stokes, 1954, p. 1-42 Buck, 1918, p. 4-21).

۱. محققان دیگری وجود دارند که معتقدند مورخان باید در مورد اعتبار سنت‌های شفاهی تصمیم‌گیری کنند و اینکه آن‌ها باید مطابق با قواعد روش تاریخی عمل کنند. نویسندگان یک کتابچه استاندارد در مورد باستان‌شناسی بیان می‌کنند که جایی که مدارک تاریخی باستانی وجود دارد، محقق باید آن‌ها را مطابق با قواعد تاریخی ارزیابی کند. در تفسیر سنت‌های شفاهی از لحاظ تاریخی باید بسیار مراقب بود. مدارک فراوانی در مورد گذشته یک جامعه را

1. Van Velsen.
2. Linton.
3. Lomola.
4. Romeo Molliner.



می‌توان از تحلیل سنت‌های حال حاضر، از فرهنگ مادی، باستان‌شناسی و داده‌های زبانی و باستان‌شناسی فیزیکی مردم به دست آورد. شایان ذکر است که اگرچه روش‌ها به روشنی مشخص شده‌اند، اما کمک کمی برای نحوه اجرای درست آن‌ها ارائه شده است.

۲. در عمل، هم مورخان و هم قوم‌شناسان از سنت‌های شفاهی به منظور بازسازی گذشته مردمی که مطالعه کردند، به کرات استفاده کرده‌اند. در اکثر موارد، آن‌ها به قضاوت‌های انتقادی برای مداخله در پیام‌هایی که به نظرشان به شدت علیه واقعیت‌های طبیعی و معمول هستند، دسترسی ندارند و آنچه باقی مانده است را با بیشترین آزادی عمل تفسیر می‌کنند.

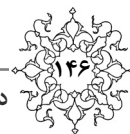
راه بهتری برای نشان دادن نقائص این رویکرد از اشاره کردن به یک تک‌نگاری که نمونه‌ای معمولی را ارائه می‌دهد، وجود ندارد. مونوگراف آکان^۱ توسط ای. میرویتس^۲ یکی از بهترین کارهای تخصصی‌یافته به تاریخ گذشته مردم، قبل از رسم‌الخط بوده است (Meyerowitz, 1952, p. 194). در بررسی ادبیات تحقیقی درباره این موضوع، ون فورر^۳ همان را به عنوان یک نمونه درخشان از نتایجی که می‌توان از مطالعه سنت‌های شفاهی با ترکیبی از مراقبت دقیق و تخیل غنی به دست آورد ستود (Fuehrer; Haimendorf, 1956, p. 158-9).

در واقع در کتاب خانم میرویتس چندین نوآوری وجود دارد که یکی از آن‌ها جست‌وجو در مطالعات دیگر از این نوع است. او اطلاعاتی را در مورد روش‌های کاری خود ارائه کرده است، همراه با لیستی از منابع خود از اطلاعات و نام مفسری که با او همکاری کرده است (Meyerowitz, 1952, p. 15-17).

او همه جا از رؤسا و شورای قبیله‌ای سؤال کرده است و از مکان‌های مقدس کشور بازدید به عمل آورده است. در واقع، این بخش از غنا پر از منابع اطلاعاتی است، به طوری که او سختی چندانی برای جست‌وجوی سنت‌ها تجربه نکرده است. نکته دیگر به نفع این مونوگرافی این است که یکی از محدود کارهایی است که شخصیت سنت‌های به کار گرفته شده را مشخص می‌کند (Idem, p. 19-22). نویسنده آن یادآور شده است که سنت‌ها در مدارس توسط متخصصان تدریس شده‌اند و اینکه کسانی که نتوانستند گزارشی دقیق از سنت‌هایی که به آن‌ها سپرده شده ارائه دهند، کنار گذاشته شده‌اند. او همچنین بر ماهیت مقدس بسیاری از سنت‌ها تأکید کرده و اعلان کرده است که تحریف‌های زیادی انجام شده و نمونه‌هایی از سنت‌های فراموش شده را آورده است. در نهایت او اعلام می‌کند که سنت‌ها در برخی جاها نسبت به جاهای دیگر به خوبی حفظ نشده‌اند که دولت‌های کوچک و محلی از آن جمله‌اند که در آن‌ها سنت‌ها اغلب تکه‌تکه هستند.

۳. بررسی حل مشکل در ادبیات قوم‌شناسی نشان می‌دهد که بسیاری از قوم‌شناسان از اهمیت سنت‌های شفاهی و نیاز به اعمال روش‌هایی برای انتقاد به آن‌ها آگاه هستند. از شش نکته

1. Akan Traditions of origin.
2. Meyerowitz.
3. Von fuehrer.



از دیدگاه اتخاذشده، دو تای اول را می‌توان به‌سادگی کنار گذاشت. نویسندگان در اولین گروه معتقدند که هیچ سنت شفاهی قابل‌اعتماد نیست، درحالی‌که گروه دوم نشان دادند که برخی از این سنت‌ها دارای مقدار خاصی از اعتبار هستند اما بی‌تردید هر بحثی بر مبنای دیدگاه پیشین درباره اعتبار توسط نمونه‌های عملی که کمکی به رفع مشکل نمی‌کند، نیست. سومین نکته که توسط گرابر، اشمیت و ون بولک بیان شده است، می‌گوید که اعتبار سنت‌های شفاهی را نمی‌توان با مدارک داخلی ایجاد کرد، اما با معیاری از رشته‌های کمکی یا مطابقت بین چندین گزارش مختلف، می‌توان این کار را کرد. این موضعی است که توسط مورخان گرفته شده است. این موضع بر این فرض استوار است که ماهیت ذاتی سنت شفاهی به‌گونه‌ای است که ایجاد اعتبار را برای آن غیرممکن می‌کند.

چهارمین نکته این فرضیه را نمی‌پذیرد که سنت شفاهی کاملاً رویدادی تحریف‌شده است. مورتیر و بیر، حتی تا آنجا پیش رفتند که اعتقاد داشتند تمام سنت‌ها دارای پایه‌ای بر مبنای حقیقت هستند. اما آن‌ها نشان ندادند کدام روش می‌تواند امکان تمایز میان این عناصر را به‌وجود آورد و اینکه کدام حاوی اطلاعات واقعی نیستند. در مورد نکته پنجم، همین کافی است که بگوییم تمام صاحب‌نظران بر روی ویژگی خاص سنت شفاهی یا نوع خاصی از سنت شفاهی که بر اعتبار آن تأثیر می‌گذارد، تأکید کرده‌اند. آنچه از بحث آن‌ها مشخص می‌شود، این است که بررسی شخصیت درست موردنیاز است و اینکه باید تلاش برای تشریح ویژگی‌های شخصیتی موضوعات مختلف باشد. در نهایت نویسندگانی که ششمین نکته را مطرح کرده‌اند، مشکل اعتبار سنت شفاهی را بدون ارائه هیچ راه‌حلی فرموله کرده‌اند.

از تک‌نگاری‌هایی که از آن در ایجاد منابع شفاهی استفاده شد، به روشنی می‌توان دید که آنچه بیش از همه کمبود دارد، مطالعه تئوری مسئله و مشکل است. به سختی هر یک از نویسندگان این مونوگراف‌ها، روش‌های انتقادی را به منابع خود اعمال می‌کنند و ماهیت ویژه سنت شفاهی را در نظر نمی‌گیرند.



منابع:

- Bauer, W (1928). *Einführung in das Studium der Geschichte*. Tübingen.
- Beier, H. U (1955). The historical and psychological significance of Yoruba myths. *Odu*, 1: 17-25.
- Bernheim, E (1908). *Lehrbuch der historischen Methode und der Geschichtsphilosophie*. Mit Nachweis der wichtigsten Quellen und Hilfsmittel zum Studium der Geschichte. Leipzig.
- Block, R (1946). *Les Origines de Rome*. Paris.
- Dixon, R. B (1915). Primitive American history, Discussion and correspondence. *AmericanAnthropologist*, XVII, 599. (See also under Swanton, J.R.): 218.
- Dumezil, G (1949). *VHeritage indo-europeen a Rome*. Pari.
- Evans-Pritchard, E. E. (1985). Social anthropology: *Past and present*. Man, p: 118-124.
- Fage, J , D (1956). Some notes on a scheme for the investigation of oral tradition in the Northern Territories of the Gold Coast. *Journal of the Historical Society of Nigeria*, 1: 15-19.
- Feder, A (1924). *Lehrbuch der geschichtlichen Methodik*. Regensburg.
- Fuller, C. E (1958). Ethnohistory in the study of culture change in Africa. in *Continuity and Change in African Cultures*, ed. W. R. Bascom and M. J. Herskovits (Chicago): 113-129.
- Goldenweiser, A. A (1915). Heuristic value of traditional records. *American Anthropologist*, , XVII: 763-764.
- Graebner, F (1911). *Methode der Ethnologie*. Heidelberg.
- Hamilton, R. A (1955). *History and Archaeology in Africa* (Report of a conference held in July 1953 at the School of Oriental and African Studies). London.



- Hamilton, R. A (1955). *History and Archaeology in Africa* (Report of a conference held in July 1953 at the School of Oriental and African Studies). London.
- Hartland, E. S (1914). On the evidential value of the historical traditions of the Baganda and the Bushongo. *Folklore*, p: 428-456.
- Herskovits, M. J (1938). *Dahomey*. New York, 2 volumes.
- Herskovits, M. J (1952). *Economic Anthropology*. New York.
- Herskovits, M. J (1949). *Man and his Works*. New York.
- Lloyd, P. C (1955). Yoruba myths: a sociologist...s interpretation. *Od.* 20-28.
- Lowie, R (1915). Oral tradition and history: Discussion and correspondence. *American Anthropologist*, XVII: 597-599.
- Lowie, R (1949). *Primitive Society*. London.
- Lowie, R (1950). *Social Organization*. London.
- Mercier, P (1950). Histoire et legende: la bataille d'Ilorin. *Notes africaines*, XLVII: 92-95.
- Meyerowitz, E (1952). *Akan Traditions of Origin*. London.
- Mortier, R (1944). Historische legenden. *Aequatoria*, VII: 101-111, 129-136.
- Muehlmann, W (1938). *Methodik der Vblkerkunde*. Stuttgart.
- Nicholson, H. B (1955). Native historical tradition. *American Anthropologist*, 1: 595-613.
- Oliver, R (1955). The traditional histories of Buganda, Bunyoro and Ankole. *Journal of the Royal Anthropological Institute*, LXXXV: 111-117.
- Radcliffe-Brown, A. R (1957). *A Natural Science of Society*. Free Haven.
- Radcliffe-Brown, A. R (1952). *Structure and Function in Primitive Society*. London.
- Sapir, E (1949). Time perspective in aboriginal American culture,



- in *Selected Writings of Edward Sapir* in Language, Culture and Personality, ed. D. Mandelbaum (Berkeley): 389- 462.
- Southall, A. W (1954). Alur tradition and its historical significance. *Uganda Journal* , XVIII: 137-165.
 - Tait, D (1955). *History and social organization*. Transactions of the Gold Coast and Togoland Historical Society, 1: 193-210.
 - Van Bulck, G (1931). *Beitrdge zur Methodik der Volkerkunde* (Wiener Beitrage zur Kulturgeschichte und Linguistik, II). Vienna.
 - Van Gennep, A (1910). *La Formation des Ugendes*. Paris.
 - Van Velsen, J (1959). Notes on the history of the lakeside Tongo of Nyasaland. *African Studies*, XVIII: 105-117.
 - von Fuehrer-Haimendorf, C (1956). Culture history and cultural development. in *Current Anthropology*, ed. W. L. Thomas (Chicago): 149-168.
 - Wilks, I (1956). Tribal history and myth. *Universitas*. 84-86 , 216-218.

